# جلسه سیزدهم 30/6/1393

بحث در این بود که اگر عالما عامدا ترک نماز طواف شود، شهید ثانی در مسالک فرموده اعمال بعدی را که انجام می دهد مثل سعی، صحیح است و حج او مشکلی ندارد و فقط باید نماز طواف را قضاء کند و صاحب جواهر هم این مطب را تایید کرده و محقق نائینی هم آن را اقوی دانسته است.

#### ادله صحت حج تارک نماز طواف عمدا

صاحب جواهر وجوهی برای اثبات این نظریه ذکر کرده، مثل این که در صحیحه جمیل آمده: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليه السلام) أَنَّ الْجَاهِلَ فِي تَرْكِ الرَّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ بِمَنْزِلَةِ النَّاسِي.[[1]](#footnote-1)

به این تقریب که کما این که حج ناسی نماز طواف صحیح است، جاهل هم چنین است و اطلاق دارد و اعم از جاهل قاصر و مقصر است و وقتی حج جاهل مقصر صحیح باشد، عامد هم چنین است، زیرا جاهل مقصر کالعامد است و لذا عامد هم به منزله ناسی می شود.

وجه دوم ایشان این است که ادله امر به صلاة طواف، ظهور در جزئیت و شرطیت ندارد، یعنی بیش از این ظهور ندارد که بعد از طواف واجب است نماز طواف خوانده شود و دلالتی بر بطلان حج به ترک نماز طواف ندارد، مثل این که ترک مبیت به منی عمدا هم حج را باطل نمی کند و فقط کفاره دارد و یا ترک عمدی وقوف کامل به عرفات و اکتفاء به وقوف حداقلی و ترک رمی جمرات و طواف نساء، هیچیک حج را باطل نمی کند، نماز طواف هم همین طور است و دلیلی بر بطلان حج به ترک عمدی آن نداریم.

#### نقد ادله مذکور

اولا: این که در صحیحه جمیل خصوص جاهل و ناسی مطرح شده، دلیل بر خصوصیت داشتن جاهل و ناسی است و اگر عالم عامد هم چنین بود و با جاهل فرقی نمی کرد، تقیید به جاهل لغو بود.

علاوه بر این که دلیلی نداریم بر این که جاهل مقصر و عامد مثل هم هستند، آن چه مسلم است، فقط تساوی این دو در استحقاق عقاب است و لذا جهر در موضع اخفات و بالعکس اگر از روی جهل تقصیری باشد، به نظر همه و همچنین صاحب جواهر مضر به صحت صلاة نیست، اما بنا بر صریح روایت، عامد چنین نیست و باید نمازش را اعاده کند.

لذا قاعده الجاهل المقصر کالعامد، دلیلی ندارد.

ثانیا: ظاهر روایاتی که می گوید علی القارن طواف و صلاة عند المقام و سعی ... علی المتمتع طواف و صلاة عند المقام و سعی، ارشاد به جزئیت است، و با ترک جزء، مرکب هم باطل می شود.

محقق خوئی فرموده از روایات همچون صحیحه منصور بن حازم، استفاده می شود که بجا آوردن صلاة طواف قبل از فوت موالات، شرط صحت طواف است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ قَالَ لَا تُؤَخِّرْهَا سَاعَةً إِذَا طُفْتَ فَصَلِّ.[[2]](#footnote-2)

و همین طور از روایات استظهار می شود که سبق صلاة طواف هم شرط صحت سعی است، صحیحه محمد بن مسلم: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ- ثُمَّ يَنْسَى أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ حَتَّى يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ خَمْسَةَ أَشْوَاطٍ أَوْ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ قَالَ يَنْصَرِفُ حَتَّى يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَأْتِي مَكَانَهُ الَّذِي كَانَ فِيهِ فَيُتِمُّ سَعْيَهُ.[[3]](#footnote-3)

به این تقریب که در صحیحه مذکور نسبت به کسی که در اثناء سعی متذکر به ترک نماز طواف شده، حکم به قطع طواف و بجا آوردن صلاة طواف قبل از اکمال سعی شده است، در حالی که اگر صلاة طواف شرط صحت سعی نبود، امام علیه السلام نمی فرمود سعی را رها کن و نماز طواف بخوان، بلکه می فرمود بعد از اتمام سعی، نماز طواف را بجا بیاور.

نقد کلام محقق خوئی

اولا: این فرمایش اخص از مدعی است، زیرا اگر کسی بعد از سعی یادش بیاید که نماز طواف نخوانده و دیگر عمدا آن را نخواند، بیان ایشان دلیل بر بطلان حج در این صورت نمی شود، زیرا شرطیت مذکور در حق ملتفت عالم است و نه ناسی، و گرچه این شخص سعی و طوافش صحیح است، زیرا نسیانا ترک نماز طواف کرده است، اما باز هم اگر بعد از التفات، نماز طواف را نخواند، حجش باطل است، زیرا ظاهر خطابات، جزئیت نماز طواف برای حج است و صرف بیان شرطیت موالات بین طواف و نماز طواف، دلیل متقنی نیست، زیرا این شرطیت فقط برای کسی است که ملتفت به شرطیت باشد.

ثانیا: صاحب جواهر گفت این اوامر ظهور در حکم تکلیفی دارد و نه ارشاد به شرطیت، شما هم که نگفتید ظهور در شرطیت دارد، لذا صرف ذکر این دو روایت مشکلی را حل نمی کند، لذا اذا طفت فصل را خیلی ها دال بر حکم تکلیفی محض می دانند، کما عن السید الامام و این که در روایت دوم فرموده وسط سعی باید برگردی و نماز بخوانی هم شاید حکم تکلیفی باشد.

لذا جواب از صاحب جواهر، ادعاء ظهور این اوامر در ارشاد به شرطیت است و موید آن صحیحه جمیل است که جاهل را اخذ کرده و فقط آن را به منزله ناسی دانسته و از عالم عامد سخنی به میان نیاورده، البته موید گفتیم چون شاید فرق بین عالم عامد و جاهل این باشد که جاهل و ناسی هر کجا متوجه شوند که نماز طواف نخوانده اند، باید همان جا قضاء کنند ولی عالم عالم باید به مقام برگردد، و معلوم نیست فرق این دو در بطلان حج عالم عامد و صحت حج ناسی و جاهل باشد.

نکته: در شرح مناسک محقق خوئی نقل شده که نظر صاحب حدائق هم مثل صاحب جواهر است، اما این اشتباه است و نظر او همچون نظر صاحب مدارک است که مخالف نظر شهید ثانی در مسالک است، زیرا صاحب مدارک در کلام شهید ثانی اشکال کرده و بعد از نقل کلام صاحب مدارک در حدائق، صاحب حدائق فرموده و هو جید و مقصودش کلام صاحب مدارک است و نه صاحب مسالک.

#### تتمه: عدم شرطیت رعایت فاصله بین رجل و مراة در نماز در مسجد الحرام

شرایط نماز طواف همچون دیگر نمازهای یومیه است، مگر در یک چیز، زیرا در نماز های یومیه گفته می شود که زن و مرد کنار هم نایستند و یا زن جلوتر نایستد، البته مشهور گفته اند این کار مکروه است و باطل کننده نماز نیست، اما برخی حکم به بطلان در صورت عدم رعایت فاصله کرده اند، محقق خوئی فرموده: از روایات استفاده می شود که فاصله یک وجب بین زن و مرد کافی است، ولی اگر کمتر از این مقدار فاصله باشد، حتی نماز کسی که اول نماز خود را شروع کرده نیز باطل است، و فرقی نمی کند کسی که در کنار مصلی به نماز می ایستد، نمازش باطل باشد یا صحیح و فرقی نمی کند که از ابتداء در کنار هم بایستند یا حتی به هنگام سلام آخر نماز در کنار هم بایستند.

برخی مثل آیت الله سیستانی نیز بنا بر احتیاط چهار و نیم متر فاصله را لازم دانسته اند.

اما از روایات استفاده می شود که در مسجد الحرام چنین چیزی شرط نیست و عجیب است که محقق خوئی در جواب استفتائی در خصوص نماز در مسجد الحرام گفته اگر کمتر از یک شبر فاصله شود، نماز باطل است، زیرا این فرمایش بر خلاف صحیحه فضیل است: وَ فِي كِتَابِ الْعِلَلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَتْ مَكَّةُ بَكَّةَ- لِأَنَّهُ يَبْتَكُّ فِيهَا الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ وَ الْمَرْأَةُ تُصَلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ يَسَارِكَ وَ مَعَكَ وَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ إِنَّمَا يُكْرَهُ فِي سَائِرِ الْبُلْدَانِ.[[4]](#footnote-4)

البته گرچه در این روایت سخن از مکه شده و نه مسجد الحرام، اما نکته یبتک فیها الرجال و النساء در خصوص مسجد الحرام می آید.

## (مسألة 328)

***تجب المبادرة الى الصلاة بعد الطواف‌بمعنى أن لا يفصل بين الطواف و الصلاة عرفا***.[[5]](#footnote-5)

### بررسی شرطیت موالات بین طواف و نماز طواف

اصل موالات بین نماز و طواف نماز ظاهرا جای تشکیک ندارد، به دلیل: صحیحه منصور بن حازم: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ قَالَ لَا تُؤَخِّرْهَا سَاعَةً إِذَا طُفْتَ فَصَلِّ.[[6]](#footnote-6)

البته در این که مقصود از ساعت چیست، اختلاف است، مشهور آن را برهه ای از زمان می دانند، و معلوم نیست که مقصود شصت دقیقه بوده باشد، بله در برخی روایات ساعت در یک دوازدهم روز و یک دوازدهم شب بکار رفته است: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْخَمْسِينَ وَ الْوَاحِدَةِ رَكْعَةً فَقَالَ إِنَّ سَاعَاتِ النَّهَارِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً وَ سَاعَاتِ اللَّيْل‏ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً.[[7]](#footnote-7)

در این سند مجاهیلی هستند که محقق زنجانی این ها را ثقه می داند و لذا بر طبق این روایت فتوا می دهد، و لکن از نظر ما این سند مشکل دارد.

البته کلمه ساعت در صحیحه منصور بن حازم به معنای یک دوازدهم روز نیست، زیرا فرموده اذا طفت فصل و ظاهرش عدم فصل عرفی بین طواف و نماز طواف است و لذا محقق زنجانی هم در این بحث، موالات عرفی را شرط دانسته است.

دلیل دیگر بر شرطیت موالات، صحیحه محمد بن مسلم است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ فَرَغَ مِنْ طَوَافِهِ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ قَالَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ السَّاعَةَ الرَّكْعَتَانِ فَلْيُصَلِّهِمَا قَبْلَ الْمَغْرِبِ.[[8]](#footnote-8)

اما بحث در این است که موالات و عدم فصل عرفی بین طواف و نماز طواف، واجب نفسی تکلیفی است و یا شرط صحت طواف است؟

ظاهر مشهور، واجب مستقل بودن آن است کما عن السید الامام، اما برخی مثل محقق خوئی و مرحوم تبریزی و آیت الله سیستانی قائلند که ظاهر اذا طفت فصل، ارشاد به شرطیت است، مثل دیگر ادله ای که امر به عملی در مرکب می کند، مثل اقرا فی صلاتک.

از عجائب فتاوی این است که اگر کسی نماز طوافش را کلا از روی جهل ترک کند و یا صحیح نخوانده باشد و به بلد خود برگردد، بالاتفاق فرموده اند باید در بلد خود نماز طواف را بخواند و حجش صحیح است، اما آیت الله سیستانی فرموده اگر از روی جهل تقصیری نماز طواف را با فوت موالات بخواند، در صحت حجش اشکال است، زیرا موجب اخلال به شرایط طواف شده است و نه اخلال به شرایط خود نماز طواف، و ایشان می گوید اخلال به شرایط طواف از روی جهل تقصیری، مبطل طواف است، بله، اگر از روی جهل قصوری باشد، ترک سنت مبطل طواف نیست به سبب قاعده السنة لاتنقض الفریضة و شرطیت موالات هم در قرآن نیامده و لذا سنت است، اما اگر ترک فریضه کند، نماز باطل است.

به نظر ما این فتوا گرچه فنی است، اما عرفی نیست، زیرا عرف فحوا می گیرد و می گوید اگر اصل نماز از روی جهل تقصیری ترک شود، حج صحیح است، چطور ترک موالات سبب بطلان حج می شود، با این که اصل نماز طواف خوانده شده است.

1. وسائل الشيعة ج‏13 428 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة ج‏13 435 76 باب جواز صلاة ركعتي الطواف في كل وقت و كذا الطواف و استحباب المبادرة بهما بعده و حكم إيقاعهما عند طلوع الشمس و عند غروبها ..... ص : 434 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة ج‏13 438 77 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى شرع في السعي وجب عليه قطعه و صلاة الركعتين ثم إتمام السعي أو صلاة الركعتين بعد إتمامه ..... ص : 438 [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة ج‏5 126 5 باب كراهة صلاة الرجل و المرأة تصلي قدامه أو إلى جانبيه و كذا المرأة إلا بمكة ..... ص : 123 [↑](#footnote-ref-4)
5. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 144 [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة ج‏13 435 76 باب جواز صلاة ركعتي الطواف في كل وقت و كذا الطواف و استحباب المبادرة بهما بعده و حكم إيقاعهما عند طلوع الشمس و عند غروبها ..... ص : 434 [↑](#footnote-ref-6)
7. وسائل الشيعة ج‏4 48 13 باب عدد الفرائض اليومية و نوافلها و جملة من أحكامها ..... ص : 45 [↑](#footnote-ref-7)
8. وسائل الشيعة ج‏13 434 76 باب جواز صلاة ركعتي الطواف في كل وقت و كذا الطواف و استحباب المبادرة بهما بعده و حكم إيقاعهما عند طلوع الشمس و عند غروبها ..... ص : 434 [↑](#footnote-ref-8)